



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۱۰ اپریل ۲۰۲۲

حمید انوری

عنوان اصلی این مختصر "پیامد های استبداد طالبی و منع تحصیل دختران" بوده است که با اندک تغییر در اصل جفنگ نامه آورده شده، در متن نیز، به جای "پاکستان"، رو سیه و بجای "طالبان" نیز "ح.د.خ" گذاشته شده و همچنان بعضی تغییرات کوچک دیگر که به رنگ آبی تیره در اصل مضمون درج است.
با عرض معذرت که نشر این مختصر، نظر به دلائلی اندک به تعویق افتاد!

پیامد های استبداد حزبی

"حزب دیموکراتیک خلق" این سیه کاران متحجر که در طول موجودیت منحوس شان به دستور بادار مکار و افغانستان ستیز شان رو سیه جزء قتل عام مردم، وحشت، دهشت، انفجار، انتحار و ویرانگری چیزی بیشتر در کارنامه های سیاه گذشته شان ندارند باید بخاطر داشته باشند که مردم افغانستان این قاتلان وحشی را هرگز نمی بخشند .

بدون تردید آنها بوسیله معاملات پنهانی میان رو سیه و امریکا و معاونت لوژستیک و تسلیحاتی این شرافروزان در افغانستان بر سر قدرت آورده شدند که کشور های رو سیه، آلمان شرق وقت و پولند و چکسلواکیا آن زمان نیز در این تنور داغ نان خود را پختند و منحیث ممد در این پلان خصمانه آوردن بقدرت شان شریک گشتند . البته بعد از جابجایی آنها در قدرت عناصر بی آرم خلقی پرچمی که در رده های حاکمیت و سخن پردازان جا گرفتند یا اینکه در اصل شان خدمت به مردم در کُنیت و ذهنیت شان نهفته بود و یا اینکه به منظور جلب توجه ذهنیت بین المللی و مطبوعات نقاب خدمت به مردم را به چهره گذاشتند، سعی میکردند در کشور همچو خدمتگزاران مردم جلوه نمائی کنند. از طرف دیگر با جابجایی خلقی ها و پرچمی ها در ادارات کشور دست جنایتکاران، فساد پیشگان، قاچاقبران، زورگویان، جاسوسان و چپاولگران و تجزیه طلبان در کشور آزاد گردید اما خلقی ها و پرچمی های وطن فروش نباید فراموش کنند که مردم افغانستان داغدار اعمال وحشیانه و درنده خویی آنها را هرگز فراموش نمی کنند، و این نا بخردان بدون اینکه اوضاع مختنق کشور و وضعیت منطقه و جهان را با دید بصیرت ارزیابی کنند با تصمیم خویش مبنی دخالت در همه امور

سیاسی- نظامی و فرهنگی- هنری و اقتصادی کشور بی شرمانه دخالت کرده و نظر دهی میکنند و در صدد تفرقه اندازی و توطئه چینی هستند. همچنان اعمال استبدادی و دور از کرامت انسانی آنها صبر مردم را بسر رسانده و قبر خود را با دستان خود کردند و حزب منفور خود را با عملکرد های سخیف و ضد مردمی شان به گودال تاریخ سپردند.

تا این قسمت جفنگنامه این فرد بی آرم و دیده درآ و سرسپرده نجیب گاو که رسیدم، از متباقی آن صرف نظر کردم، چون هم برایم سرچرخی عاید گردید و هم حالت دلبدی و تهوع رخ داد، لذا از متباقی آن جفنگ نامه گذشتم. (هرچند تغییراتی در آن وارد نمودم، اما در همه حال موجب سرچرخی و تهوع گردید.)

او مدعی است که در داخل افغانستان "ده ها هزار نفر مقاومت گر مسلح" وجود دارد و در خارج از سرحدات افغانستان نیز کشور های خارجی از آنها حمایت میکنند و...، درست همان تبلیغات میان خالی حزبی که در زمان کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ به راه انداخته بودند و به اربابان روسی خود گزارش داده بودند که در افغانستان چندین میلیون عضو دارند و مردم افغانستان عاشق زار شان هستند و روسها هم همان تبلیغات متعفن را باور کرده و بر اساس آن، افغانستان را مورد تجاوز وحشیانه قرار دادند و چون وارد معرکی گردیدند، با چشم و سر مشاهده کردند که تعداد اعضای هر دو حزب خائن در افغانستان حتی به ده هزار نفر هم نمی رسد؛ اما دیگر کار از کار گذشته بود و چکمه های خونین عساکر متجاوز روسی در گل بند مانده و در خندقی که ح.د.خ در افغانستان گنده بود، گیر افتاده اند و روز تا روز بیشتر و بیشتر در آن فرو میروند. تغییر و تبدیل نمودن خلقی ها با پرچمی ها و نیز جابجائی رهبران آن حزب منفور و مطرود نیز دیگر دردی را دوا نبود.

امروز نیز همین وامانده های آن حزب منحل و منفور، دست از آنگونه تبلیغات متعفن خویش بر نمی دارند و سرسختانه تلاش میورزند تا بالای گذشته های خونین و ننگین خویش، خاک انداخته و پرده پوشی نمایند، غافل از اینکه تاریخ حافظه قوی دارد و مردم هم فراموشکار نیستند و پوست این غلامان بی مقدار رو سیاه را در چرمگری می شناسند و از آنها خاطرات وحشتناکی در حافظه دارند که نسل اندر نسل انتقال داده شده و می شود هنوز.

به این طبقه افراد چشم سفید و دیده درآ باید گفت:

به آب زمزم و کوثر نتوان کرد سفید

گلیم بخت کسی را که بافته اند سیاه